

## The necessity of multicultural education, and the analysis of its components in Iranian educational system

Esmaeil Mostafazadeh, Narges Keshtiaray, Azar Gholizadeh

<sup>2</sup> Assistant Professor, department of educational sciences, Islamic Azad University, Esfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

<sup>3</sup> Associate Professor, Department Of Management and Planning of Cultural Affairs, Isfahan(khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### Abstract

Existence of racial, ethnic, linguistic, cultural diversity, in different countries committed their educational systems to respond decently & worthy to plurality & diversity of their communities and are considered decently in educational curriculum. Multicultural education, is an approach that, is adopted in response to cultural diversity in a society and its educational system. This study was aimed to investigate quiddity and reasons for considering the multicultural curriculum and identify its components. Research method was Qualitative and from the type of content analysis. To collect information all available sources of multicultural education in print and electronic libraries (valid databases) were used & was analyzed using the inductive category. The findings of this research along with specifying the necessities of multicultural education (Social Realities in Iran Society- the necessity to respect the human dignity of all human beings- The lack of multicultural education in the current educational system- Globalization & training requirements resulting from it- the need for training familiar teacher with the educational system of Multicultural Education) showed that, attention to multicultural education curriculum, at global and national situation is an inevitable necessity. At the end of the study, the components of multicultural education were identified. In summary, the following were noted: Anti-racism education, acceptance of diversity & plurality, peaceful coexistence with other groups, regarding educational justice, flexibility in educational programs, variety in using of teaching methods, and so, variety in using of educational materials, to protect minority languages.

**Keywords:** Multicultural education, diversity & plurality, multicultural education components

## ضرورت‌های آموزش چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی

اسماعیل مصطفی‌زاده، نرگس کشتی‌آرای\*، آذر قلی‌زاده

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

### چکیده

وجود تنوع نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی، در کشورهای مختلف، نظام‌های تربیتی آن‌ها را متعهد نموده تا پاسخی درخور و شایسته به پدیده تنوع و تکثر جوامع خود بدهند و به نحوی شایسته در برنامه آموزشی مورد توجه واقع شوند. تربیت چندفرهنگی، رویکردی است که در پاسخ به تنوع و تکثر فرهنگی در یک جامعه و نظام تربیتی آن اتخاذ می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی چیستی و دلایل توجه به برنامه درسی چند فرهنگی و شناسایی مؤلفه‌های آن انجام گرفت. روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از همه منابع در دسترس در حوزه تعلیم و تربیت چندفرهنگی موجود در کتابخانه چاپی و الکترونیک (پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر) استفاده شد و با به‌کارگیری نظام مقوله‌ای قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش ضمن مشخص کردن ضرورت‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی (واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران، منزلت و کرامت انسانی و لزوم احترام به فرهنگ همه انسان‌ها، فقدان آموزش چندفرهنگی در نظام تربیتی کنونی، جهانی‌شدن و الزامات آموزشی ناشی از آن، ضرورت‌های تربیت معلمان آشنا به آموزش چندفرهنگی) نشان داد که توجه به برنامه درسی چندفرهنگی در آموزش، در شرایط کنونی جهانی و ملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و در پایان مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی مورد شناسایی قرار گرفتند که به‌طور خلاصه می‌توان موارد زیر را اشاره نمود: آموزش ضد تبعیض نژادی، پذیرش تنوع و تکثر، همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های دیگر، رعایت عدالت تربیتی، انعطاف در برنامه‌های درسی، تنوع در استفاده از روش‌های تدریس، تنوع در استفاده از مواد آموزشی، حق حفظ زبان‌های اقلیت. **واژه‌های کلیدی:** تعلیم و تربیت چندفرهنگی، تنوع و تکثر، مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی

## مقدمه

جامعه ایرانی، جامعه‌ای گونه‌گون و متنوع است. مردم کشور ما را اقوام و ملیت‌های گوناگونی تشکیل می‌دهد و در واقع، ایران از جمله کشورهای جهان است که در آن خرده‌فرهنگ‌های گوناگون را می‌توان مشاهده کرد. این گوناگونی و تنوع عمدتاً از منظر فرهنگی و در قالب مذهب و زبان نمود یافته است و وجود گروه‌ها و «مناطق فرهنگی» مختلف در کشور که بر اساس تمایزات مذهبی و زبانی قابل بازشناسی هستند، غیرقابل انکار هستند (Mehrabiy, Younesi, 2008). وحدت و شکوفایی کشور ایران به‌عنوان یک جامعه چندفرهنگی مستلزم این است که برنامه درسی و آموزشی، به ابعاد مختلف دینی، قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی توجه لازم و شایسته‌ای داشته باشد؛ اما نظام آموزش‌وپرورش متمرکز ایران در عصر حاضر، نسبت به تفاوت‌ها و تکثر قومی، زبانی و فرهنگی بالقوه جامعه ایران، بی‌تفاوت و حتی در تضاد است. به عبارت روشن‌تر، وجود تنوع، گوناگونی و تکثر فرهنگی، اجتماعی، زبانی و قومی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایران به شمار می‌آید و نظام آموزشی هم باید در قبال این تنوع پاسخگو باشد. با در نظر گرفتن زمینه‌های تنوع فرهنگی، قومی و زبانی در ایران، شرایط برای آموزشی متفاوت با آموزش تک فرهنگی در ایران فراهم است. "بر همین اساس آموزش چندفرهنگی و ضرورت آشنایی افراد با مبانی فلسفی و پیامدهای بی‌توجهی به آن در شرایط امروز یکی از اولویت‌های اساسی نظام‌های آموزشی هر جامعه‌ای است، به‌ویژه جوامعی که در ماهیت خود از تنوع قابل توجهی برخوردار هستند" (Moses, 1997, 2Banks & Banks, 2005).

امروزه تعلیم‌وتربیت، با مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی، فرهنگی و جهانی روبروست که به‌گونه‌ای گریزناپذیر باید خود را با آن تحولات هم‌آهنگ نماید. در دوران معاصر گفتمان‌های متعددی به منصفه ظهور رسیده که برنامه درسی را در بسترهای مختلفی مورد

بحث و بررسی قرار داده است. یکی از این بسترها؛ مباحث نژادی می‌باشد که حاوی تلاش‌های وسیع گروهی از پژوهشگران در حوزه «چند فرهنگ‌گرایی» (Multiculturalism) و رفع تبعیض در عرصه تعلیم و تربیت و برنامه درسی است (Fathy Vajargah, 2013). برخی متخصصان برنامه درسی نیز مباحثی چون فرهنگ، قومیت، نژاد و چند فرهنگی را زیرمجموعه مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی طرح نموده‌اند (Yar Silver, et.al, 2009, Pour, 2008, Mohammadyan, 2013) و یا در مباحث تخصصی برنامه درسی به آن پرداخته‌اند (Talebzade Noberyan, Fathy Vajargah, 2009) نومفهوم‌گرایان نیز که در مجموع معرف یک نگرش نوین به برنامه‌های درسی و آموزش هستند، بنیاد نظریه‌های خود را تفاوت‌های دانش آموزان از نظر پیشینه فرهنگی، تاریخی، سیاسی و نژادی می‌دانند (Mehr Mohammadi, 2003).

با توجه به بروز تحولاتی در گستره ارتباطات و اطلاعات و در نتیجه، پیدایش نظریه‌هایی چون پست مدرنیسم، فمینیسم، کثرت‌گرایی (Pluralism)، جهانی‌شدن و... طبیعی است که نظام‌های تربیتی باید موضع و جایگاه خود را در برابر تحولات و نظریه‌های یادشده روشن کنند یکی از این نظریه‌های مهم در گستره تعلیم‌وتربیت، نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی است. رویکرد احترام به تنوع فرهنگی، سبب بهبود رشد شناختی فراگیران، افزایش درک نژادی و قومی آن‌ها، تقویت حس اجتماعی و مشارکت مدنی آن‌ها، بهبود حساسیت‌های فرهنگی فراگیران، افزایش کیفیت عملکرد آن‌ها و بهبود تعامل در کلاس‌های درس شده (Fernandez, 2010) و در نهایت تبیین احترام به تنوع فرهنگی در نظام آموزش می‌تواند زمینه عملکرد بهتر را فراهم نماید (Feyisa & Kirstin 2010) و عامل کلیدی در توسعه سرمایه انسانی در یک جامعه چندفرهنگی محسوب گردد (Hawkins, 2010) بنابراین ضرورت دارد

ارتباطات بین کشورها و حرکت آن‌ها به‌سوی نظامی جهانی یا حداقل منطقه‌ای، مسئله اقوام و تفاوت‌های فرهنگی بین آن‌ها هم چنان اهمیت خاصی دارد.

(Arslan, 2009) معتقد است که اگر یک جامعه دارای فرهنگ چندقومی است، لذا سیاست تربیتی چنین جامعه‌ای باید همه انواع فرهنگ‌های چند قومی را تحت پوشش قرار دهد تا با یکدیگر ارزش‌های فرهنگی را مبادله کنند. برای این منظور ضمن گنجاندن صدای همه فرهنگ‌ها و ارج گذاشتن به همه آن‌ها (Parekh, 2008) سعی در ایجاد تفاهم و تعامل میان آن‌هاست تا بدین طریق بتوان به وحدت در عین کثرت دست یافت. تکثرگرایی فرهنگی این امکان را فراهم می‌کند که بدون تهدید وحدت ملی، حق دیگر فرهنگ‌ها در حفظ زبان خود در خانواده و اجتماع گروهی‌شان، حق انجام دادن مراسم دینی، حق سازمان‌دهی روابط در چارچوب خانواده و اجتماع محلی و نیز حق حفظ رسوم اجتماعی و جمعی افراد به رسمیت شناخته شود (Lyvychy, 1991). "در برنامه درسی چندفرهنگی، اعتقاد به عدم وجود «هویت ناب» (Lean identity) و وابسته بودن «هویت فرد» (Identity of the person) به «هویت دیگری» (Other identity)، تلاش برای حذف سایر هویت‌ها را ناممکن می‌سازد. در اندیشه تکثرگرایی سرنوشت همه موجودات زنده به هم وابسته است. از آنجاکه حذف «دیگری» به معنای فرو کاستن هویت «خود» است، پس لازم است تنوع فرهنگی در برنامه درسی تا سطح مویرگ‌های جامعه گسترش یابد و درنهایت، اعتقاد به عدم امکان رسیدن به «هویت ناب» زمینه تکثرگرایی و به رسمیت شناختن تفاوت در اجتماع است" (Qaderi, 2010).

(Shayegan, 2011) استدلال می‌کند که امنیت جهان و حتی واحدهای ملی نیازمند پذیرش چندگانگی و چند فرهنگی بودن است. پذیرش پلورالیسم باعث می‌شود تا نگاه یکتانگارانه به نگاهی همتانگارانه تبدیل و زمینه برای همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها در هزاره

نظام آموزشی برای توسعه و گسترش ارزش‌های مشترک فرهنگی در یک جامعه چندفرهنگی تلاش نموده و به تبادل ارزش‌های فرهنگی اقوام اهمیت داده و همه آن‌ها را تحت پوشش خود قرار دهد. (Askarian, 2006) می‌گوید "در جوامع چند قومیتی مانند ایران، به‌کارگیری فرهنگ‌های قومی در آموزش رسمی و اشاعه آن از طریق برنامه درسی، زمینه پیوند اقوام و نژادهای جامعه را به وجود می‌آورد و باعث وحدت بخشیدن بین فرهنگ‌ها و وحدت ملی می‌شود.

تعریف آموزش چند فرهنگی بسیار گسترده و متنوع است و در زمان‌های مختلف نیز معانی متفاوتی داشته است. این آموزش در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به معرفی فرهنگ‌های مختلف از طریق برنامه درسی دلالت داشت؛ فرهنگ‌هایی که از نظر تاریخی از بین رفته یا به اندازه مورد لزوم در برنامه درسی مدارس گنجانده نشده بودند. این اصطلاح بعدها مفهومی گسترده‌تر یافت و نه تنها گروه‌های قومی، نژادی و اجتماعی بلکه گروه‌های جنسیتی و گروه‌های دارای نیازهای خاص را نیز در بر گرفت. (Banks & Bank, 1995). چندفرهنگ‌گرایی یا سیاست چندفرهنگی، مفهومی است نسبتاً جدید که حضور چند فرهنگ متفاوت را در کنار هم تداعی می‌کند و جوامع چندفرهنگی، جوامعی هستند که چند فرهنگ مختلف بنا به دلایلی به‌طور همزمان در کنار یکدیگر امکان زیست پیدا کرده‌اند. رویکرد چندفرهنگی درصدد ایجاد تعامل، تفاهم و تبادل بین فرهنگی است، به‌طوری‌که فرهنگ‌های مختلف با کمترین تنش و به‌صورت مسالمت‌آمیز امکان همزیستی پیدا کنند (Sadeqy, 2011). آموزش و پرورش چند فرهنگی مفهومی انسان‌گرایانه است که بر ارزش هویت متنوع، حقوق، عدالت اجتماعی و بر امکان این‌که هر فرد شیوه زندگی متفاوت انتخاب کند، پایه‌ریزی می‌شود (Askarian, 2006). بر اساس یافته‌های تحقیق (Khosravi, 2008) مشخص شده که منظور از اصطلاح «چند فرهنگی» این است که علی‌رغم گسترش

چندفرهنگی، کمک به همه فراگیران در بهره‌گیری عادلانه از دانش و مهارت‌ها و داشتن عملکرد مؤثر در یک جامعه متکثر و دارای گروه‌های قومی در زمینه تعاملات و ارتباطات با سایر افراد جامعه است. آموزش چندفرهنگی، در تعریف امروزی خود به همه خط‌مشی‌ها و رویدادهایی اطلاق می‌شود که مدارس باید به‌کارگیرند تا نتایج آموزشی را برای همه دانش‌آموزان دارای ملیت، زبان، طبقه و مذهب‌های مختلف بهبود بخشند. آموزش چندفرهنگی مفهومی است که در آن، تمام دانش‌آموزان صرف‌نظر از گروهی که به آن تعلق دارند، باید از برابری فرصت آموزشی در مدرسه برخوردار شوند. برنامه درسی چندفرهنگی، می‌تواند افراد و گروه‌ها را برای زیست مسالمت‌آمیز در یک جامعه چندفرهنگی، آماده کند. وجود تنوع نژادی، قومی، فرهنگی، آداب و رسوم و زبان به‌عنوان مصادیق جامعه چندفرهنگی در ایران، استقرار برنامه درسی با ویژگی‌های چندفرهنگی را بیش‌ازپیش ضروری ساخته است و با توجه به چندفرهنگی بودن جامعه ایران از یکسو و فقدان چهارچوب نظری و فلسفی لازم برای تربیت چندفرهنگی در نظام آموزشی کنونی، این سؤال مطرح می‌گردد که نظام آموزشی چگونه می‌تواند به نحو شایسته رسالت تربیتی خود را به انجام رساند؟ در این پژوهش، آموزش چندفرهنگی و مؤلفه‌های آن و ضرورت توجه نظام آموزشی ایران به تعلیم و تربیت چندفرهنگی، مورد بررسی قرار گرفته است.

### روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری پژوهش و پیشینه و ادبیات موضوع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش پژوهش در این تحقیق، کیفی و از نوع تحلیل محتوا بود. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از کلیه منابع در دسترس در حوزه تعلیم و تربیت چندفرهنگی موجود در کتابخانه چاپی و الکترونیکی (پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر مانند

سوم فراهم گردد. (Gundara, 2002) در پژوهش خود، به تحلیل و ارزیابی سیاست چندفرهنگی، پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نقش تربیت بین‌فرهنگی در تأکید بر فرایند انسجام اجتماعی در یک بستر دموکراتیک، یک جنبه مهم از پاسخ دولت به تنوع است و ناکامی در این امر به تقاضای جدایی‌طلبانه، منجر می‌گردد. از نظر گورسکی (Gorski, 2010) برنامه درسی چندفرهنگی بیانگر یک رویکرد پیش‌رونده برای تحول و دگرگون ساختن مدارس و مراکز آموزشی است که به‌گونه‌ای کل‌گرایانه، همه فعالیت‌های آگاهانه یا ناآگاهانه تبعیض‌آمیز در نظام آموزشی را مورد نقادی قرار داده و درصدد حذف آن‌ها برمی‌آید. این رویکرد برنامه درسی بر بنیاد مفاهیمی همچون «عدالت اجتماعی» (Social Justice)، «برابری آموزشی» (Equality of educational) و تسهیل تجارب آموزشی مبتنی است که از طریق آن دانش‌آموزان از نظر فردی به یادگیرندگانی رشد یافته و از نظر اجتماعی به شهروندانی آگاه و فعال در سطح محلی، ملی و جهانی مبدل می‌شوند. صاحب‌نظر مذکور با اشاره به اینکه برنامه درسی و آموزشی چندفرهنگی پیش‌نیاز اصلی تحول واقعی هر جامعه بشری است، معتقد است که این تحول در سه بعد اساسی یعنی تحول «خود» (self)، تحول «مدارس» و تحول «جامعه» به وقوع می‌پیوندد. همچنین، از دیدگاه چیتوم (Chittom, 2011) یک برنامه درسی چندفرهنگی درصدد است تا زمینه‌ای را برای ورود فرهنگ‌های دیگر به صحنه زندگی واقعی دانش‌آموزان فراهم کند.

سیاست چندفرهنگی و به‌پیروی از آن، آموزش چندفرهنگی (Multicultural Education) مفهومی است که در سال‌های اخیر ذهن بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی کشورها را به خود معطوف داشته است. ولی در کشور ایران کمتر روی آموزش چندفرهنگی، بحث شده و کتاب و مقالات در این باره کم است. یکی از اهداف عمده آموزش

سازمان اطلاعات و مدارک ایران، SID و Center for Multicultural education و ... استفاده شد. از آنجاکه توصیف به تنهایی نمی‌تواند هدف‌های پژوهش را برآورده سازد، لازم بود تا پس از توصیف، یافته‌ها طبقه‌بندی شوند تا چارچوبی منظم برای سازمان‌دهی مجدد ارائه گردد. پس از یادداشت‌برداری به تجزیه و تحلیل، ارزیابی و سازمان‌دهی مطالب در چارچوب یک مدل مفهومی و در راستای اهداف تحقیق پرداخته شده است. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش به شیوه توصیف، تحلیل و استنتاج نظری است.

برای پاسخ پرسش اول، ضمن انتخاب متون مرتبط با هدف اصلی پژوهش، از مجموع منابع، کتب و مقالات موجود، به جمع‌بندی دربارهٔ ضرورت‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی در نظام آموزشی دست یافته، در پاسخ پرسش دوم باز با مطالعه منابع و متون مرتبط که دربارهٔ مؤلفه‌ها و عناصر اساسی آموزش چند فرهنگی بودند، با روش فیش‌برداری، پاراگراف‌های مرتبط با سؤال پژوهش از منابع انتخاب گردید. در مرحله دوم کد مفاهیم مرتبط با موضوع از هر پاراگراف استخراج شد، در مرحله سوم کد مفاهیم استخراج شده در دسته‌های هم مفهوم قرار گرفتند و در مرحله چهارم برای هر دسته هم مفهوم، نام و عنوان مناسب انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها؛ فیش‌ها، فرم‌ها و جداول محقق ساخته بود که برای ثبت مقولات و عناصر و مؤلفه‌های آموزش چند فرهنگی از آن‌ها استفاده شده است. پاراگراف‌های مرتبط با اهداف پژوهش از منابع استخراج و با به‌کارگیری نظام مقوله‌ای قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای روایی از نظرات استادان راهنما و مشاور و صاحب‌نظران برنامه‌درسی و جامعه‌شناسی (افراد خارج از محدوده پژوهش) استفاده شد. پس از اخذ نظرات آن‌ها تجدیدنظرهایی به عمل آمد و چارچوب نهایی مؤلفه‌ها تدوین شد. برای افزایش اعتبار، فیش‌برداری مناسب و با دقت انجام گرفت و تهیهٔ چک‌لیست و ارائه تعاریف عملیاتی مفاهیم هم به صورت

دقیق انجام شد و صحت کار مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی اعتماد (پایایی)، پس از طبقه‌بندی و ارزشیابی اسناد و متون، اسناد و متون مجدداً توسط کدگذاران دیگر طبقه‌بندی و ارزشیابی شدند و این شیوه به دو صورت اعمال شد. ۱- توسط همان محققان با فاصله زمانی ۲- توسط محققان دیگر. برای پایایی بیشتر، به بازبینی مجدد و بازبینی مقوله‌بندی داده‌ها، در دو مرحله پرداخته شد، یکی پس از اینکه ۵۰ درصد مقوله‌بندی‌ها تکمیل شد و دیگری در پایان کار صورت گرفت. پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، از ۶۴۱ کد مفهومی استخراج شده، ۵۵ مؤلفه به دست آمدند که در زیر عناصر پنج‌گانه برنامه‌ریزی درسی (۱- مبانی ۲- اهداف ۳- محتوا ۴- روش‌های یاددهی یادگیری ۵- ارزشیابی) دسته‌بندی شدند. (Mayring, 2000) معتقد است در تحلیل کیفی محتوا به شیوه اعمال قیاسی طبقه‌بندی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع پژوهش، به مطالعه متون تعیین شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره وجود یا عدم وجود مصادیق آن تعریف در متن‌های مورد نظر می‌پردازد (Fardanesh, 2008).

### یافته‌ها

#### پرسش اول. ضرورت‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی

دلایل و ضرورت‌های وجود تعلیم و تربیت چند فرهنگی در نظام آموزشی ایران را از ابعادی که انکارناپذیرند و مؤید واقعیت در این زمینه هستند می‌توان برشمرد. عوامل و دلایل وجود تعلیم و تربیت چند فرهنگی که با تحلیل و استنتاج از مبانی نظری کلیه منابع موجود به دست آمدند، عبارت‌اند از:

#### الف- واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران

سرزمین ایران، از گذشته‌های دور از تنوع و تکثر برخوردار بوده است. تنوع قومی، زبانی و دینی از

درسی چندفرهنگی توجه خود را به برداشتن این شکاف‌های خطرناک قلمداد می‌کند و اهداف خود را در این راستا قرار می‌دهد.

### ب- منزلت و کرامت انسانی و لزوم احترام به فرهنگ همه انسان‌ها

اقوام و ملیت‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و ویژگی‌های خاص فرهنگی خود را دارند و این ویژگی‌ها بدون شک، بر جریان تحصیل و موفقیت‌های بعدی آن‌ها در اجتماع تأثیرگذار است. همچنان که حق زیست و حیات برای تمام مردمان، محترم است؛ تنوع فرهنگی هم از ضروریات زندگی اجتماعی دنیای مدرن امروزی است که اعلامیه‌های جهانی یونسکو نیز بر آن صحنه گذاشته است. یکی از ایده‌های محوری سیاست چندفرهنگی یا چندفرهنگ‌گرایی، توجه به منزلت و کرامت انسانی (human dignity) است. (Taylor, 1994) به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران پرنفوذ این حوزه، بر این امر اذعان نموده و بیان می‌کند که تأکید بر لزوم سیاست چندفرهنگی در جامعه و به تبع آن تربیت چندفرهنگی در نظام تربیتی، تأکید بر توجه به منزلت و کرامت انسان است.

(Mehr Mohammadi, 2009) بیان داشته است که "ذهن متأثر از فرهنگ دانسته شده است بدین معنا که در بستر فرهنگ‌های مختلف و بسته به نوع ترجیحات یک فرهنگ خاص، ابعاد یا ظرفیت‌های خاصی از ذهن متبلور و ایجاد و ظرفیت‌هایی نیز به‌صورت شکوفا نشده یا مکتوم باقی می‌ماند. برنامه‌های درسی و آموزشی یا به‌طور کلی نظام‌های تعلیم و تربیت مهم‌ترین بستر یا ابزار فرهنگی جوامع هستند که در نوع قابلیت‌های ذهن از آن‌ها برخوردار خواهد شد، نقش تعیین‌کننده دارند." به عقیده (Askarian, 2006) در انطباق فرهنگی فرد با محیط، بازتاب‌های رفتاری فرد، رنگ جامعه خود را دارد. بدین جهت انسان مربوط به محیطی خاص با ویژگی‌های بسیار از انسان مربوط به محیط‌های زندگی

ویژگی‌های بارز جامعه ایران به درازای تاریخ است. (Salehi Amiri, 2004) دلایل مطلوبیت الگوی "وحدت در کثرت" برای ایران را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- سازگار بودن این مدل با مبانی تقنینی نظام ۲- سازگار بودن این مدل با ساختار قومی و اقلیمی کشور ۳- هماهنگ بودن با تجربیات دیگر کشورها. به نظر (Askarian, 2006) برنامه‌ریزی آموزش مبتنی بر فرهنگ‌های قومی دانش‌آموزان در راستای تحقق شهروندی، سبب نزدیک‌سازی اقوام به یکدیگر می‌شود. همچنین (Taqq Lu, 2007) بیان می‌کند که: جامعه ایرانی به لحاظ تاریخی دارای بافتی چند قومی - فرهنگی بوده است. از این رو، به نظر می‌رسد که الگوی شهروندی و سیاست چند فرهنگی، با توجه به پیش‌زمینه‌های تاریخی و بومی جامعه چند قومی - فرهنگی ایران بهترین گزینه است. (M, kohne pushei, S H, 2009) با انجام پژوهشی، نشان می‌دهند که نظام آموزش و پرورش ایران مقوله هویت قومی را مسکوت گذاشته و هرگونه تکثری را در درون این جامعه نفی می‌نماید. این امر با واقعیت جامعه ایران که اصولاً یک جامعه متکثر و چندفرهنگی است، تعارض دارد. (Amini, 2012) معتقد است که اگر بپذیریم برنامه‌های درسی و آموزشی در هر کشوری باید بازتاب و منعکس‌کننده ویژگی‌ها، اقتضائات و واقعیات اجتماعی - فرهنگی همان کشور باشد در آن صورت باید بر این نکته تأکید کنیم که در جامعه چندفرهنگی باید به نحو مقتضی در برنامه‌های درسی نظام آموزشی مورد توجه جدی و عملی قرار بگیرد. از این رو تسلط یک برنامه درسی همگانی (Generic) و بی تفاوت نسبت به همه تنوعات و تفاوت‌های ذاتی نه تنها با کارکرد واقعی یک نظام آموزشی پویا در تضاد است، بلکه عملاً باعث تعمیق و تشدید بسیاری از شکاف‌ها و بحران‌های مختلف هویتی و فرهنگی می‌شود که خود می‌تواند در بردارنده خطرات بالقوه و بالفعل فراوانی برای وحدت و یکپارچگی کشور گردد. از همین روست که برنامه

چندفرهنگی در ایران، الگو و راهکاری در زمینه برنامه درسی چندفرهنگی ندارد و از سوی دیگر به کار بستن نتایج پژوهش‌ها درباره الگوی پیشنهادی چند فرهنگی و سیاست قومی مناسب ایران در هاله‌ای از ابهام و عدم قطعیت است.

یافته‌های پژوهش (panahitavana S, marofi, Y, 2016) حاکی از آن است که میزان تأکید بر تمامی مؤلفه‌های هویت فرهنگی (Cultural Identity) در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه یکسان نبوده و بیشترین میزان تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های مفاخر ادبی (Literary elites) و آثار ماندگار و اسامی ایران (Masterpieces and Iranian names) و کمترین میزان تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ‌ها (Sub-culture) و افتخارات ملی و مذهبی (National and Religious Glories) شده است به گونه‌ای که مؤلفه‌های مفاخر ادبی به تنهایی حدود ۴۷ درصد و مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ‌ها کمتر از ۱ درصد از این تأکید را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج داده‌های (Soltani, 2009) حاکی از آن است که از نظر دانشجویان آموزش چند فرهنگی در مراکز تربیت معلم از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و مدرسان مراکز تربیت معلم در آموزش‌های خود بر مفاهیم و موضوعات آموزش چند فرهنگی توجه چندانی ندارند. تحلیل محتوای کتب درسی مراکز تربیت معلم نیز مشخص می‌کند توجه چندانی به مفاهیم آموزش چندفرهنگی در محتوای درسی مراکز تربیت معلم نشده است. (Sadeqy, 2012) نیز بیان می‌دارد که: از چهار منظر ضرورت طراحی برنامه درسی چند فرهنگی (از بعد تربیتی، روان‌شناختی، ضرورت‌های عصری، قوانین بالادستی) جهت‌گیری چندفرهنگی در برنامه درسی ضرورت حتمی جامعه امروز ایران است و تنوع در آموزش بر اساس قومیت و فرهنگ، موضوعی اختیاری و تجملی نیست بلکه ضرورتی اساسی است.

دیگر متمایز می‌شود و فرهنگ تعیین‌کننده نحوه زندگی او، خود را نشان می‌دهد. پژوهش‌های بین‌المللی پیرامون "فرهنگ آموزش و یادگیری" نشان می‌دهند که آموزش فعالیتی فرهنگی است. فعالیت‌های فرهنگی در قالب سناریوهای فرهنگی تبیین می‌شوند و دانش عمومی درباره رویدادهایی هستند که در ذهن پدیدآورندگان آن‌ها وجود دارند (Sarkar Arani, 2012). با توجه به اهمیت فرهنگ در شکل دادن به شخصیت انسان، میزان موفقیت هر دانش‌آموز در درون نظام آموزشی، به مقدار زیاد، تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی وی قرار دارد (Javadi, 2000). از دیدگاه (Rosado, 2008) چندفرهنگی «نظامی از باورها و رفتارهاست که وجود و حضور گروه‌های مختلف در یک سازمان و یا یک جامعه انسانی را به رسمیت شناخته و به آن‌ها احترام می‌گذارد و نیز ضمن تأیید و ارزش‌گذاری تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود بر تأثیرات سازنده و مثبت این تفاوت‌ها در توانمندسازی افراد در یک بستر فرهنگی فراگیر صحنه می‌گذارد»

### ج- فقدان آموزش چندفرهنگی در نظام تربیتی کنونی

مطالعه و بررسی وضعیت کنونی نظام آموزش و پرورش نشان می‌دهد که نظام فعلی، فاقد چهارچوب نظری و فلسفی در این حوزه است و تربیت چندفرهنگی جزء رسالت‌ها و برنامه‌های مغفول آن است (Mehr Mohammadi, 2009). مباحث چند فرهنگی و جایگاه اقوام، به تصریح در اسناد بالادستی ایران نظیر قانون اساسی و سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مورد توجه بوده است. باین‌وجود برنامه درسی نظام آموزش عمومی و آموزش عالی ایران از الگو و مبانی نظری روشن در این باب (آموزش چند فرهنگی) محروم است. در پژوهشی (Iraqiya, 2009) به این نتیجه دست یافته‌اند که از یکسو برنامه درسی آموزش عالی ایران به سبب مغفول بودن سیاست قومی و

#### د- جهانی‌شدن و الزامات آموزشی ناشی از آن

یکی از تحولات دوران معاصر که اثرات شگرفی را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به جای گذاشته و می‌گذارد، مسئله جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن در ابعاد گوناگون تعلیم و تربیت را نیز با تحولات و چالش‌های جدی مواجه ساخته است، به طوری که امروزه اهداف، محتوی، روش‌ها و نوع و روابط تربیتی به نحو غیرقابل اجتنابی تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند. از این رو شناسایی ویژگی‌ها و آثار این فرایند و تأثیر آن بر ابعاد مختلف آموزش و پرورش یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت می‌باشد. در این میان نظام‌های آموزشی و متخصصان تدوین برنامه‌های درسی کشورهای مختلف جهان (کانادا، کشورهای اسکاندیناوی، استرالیا، هند و...) رویه‌های مختلفی را برای تدوین محتوای درسی خود پیش گرفته‌اند تا بتوانند در حین حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های بومی خود از فرایند جهانی‌شدن بهره برده و از آن عقب نمانند.

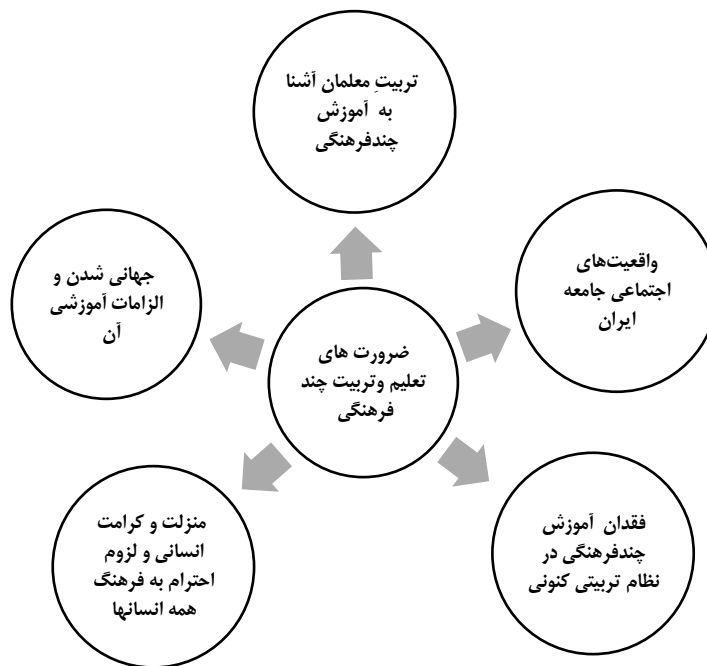
رابرتسون نگرشی فرهنگ محور به جهانی‌شدن دارد. (Rabrtson, 2003) فرایندهای جهانی‌شدن نیز بر تحركات قومی بین مرزهای ملی افزوده و پدیده تکثرگرایی فرهنگی را در صدر مباحث سیاسی و اجتماعی قرار داده است. از این رو پیوستن به مدل‌های چند فرهنگ گرایی و توجه به حقوق اقلیت‌ها موضوعی است که در سال‌های اخیر در جوامع غربی و در ادبیات سیاسی به نحو گسترده‌ای مورد بحث و نقد قرار گرفته است (Rezanezhad Jolaey, 2010). نظام آموزش و پرورش ایران همگام با سایر نظام‌های آموزشی دنیا در معرض فرایند جهانی‌شدن قرار گرفته و می‌گیرد از این رو باید تلاش نماید تا از فرصت‌هایی که جهانی‌شدن پیش روی آموزش و پرورش جوامع قرار می‌دهد، استفاده نماید.

#### ه- ضرورت‌های تربیت معلمان آشنا به آموزش

##### چندفرهنگی در نظام آموزشی ایران

در بخش‌های آموزش تصور بر این است که فرهنگ بر یادگیری دانش آموزان تأثیر زیادی دارد و بسیاری از جنبه‌های فرهنگ هر فرد در ایجاد هویت در فراگیری و دست‌یابی وی به خودپنداره تأثیر می‌گذارد و بر نظام باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، انتظارات، روابط اجتماعی، زبان مورد استفاده و سایر رفتارهای فرد مؤثر واقع می‌شود. کیفیت تربیت معلم و صلاحیت‌ها و توانائی‌هایی که در این نظام به کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت اعطا می‌شود، مشخص خواهد کرد که چه نوع سیاست‌ها و برنامه‌هایی را می‌توان در پیش گرفت یا تا چه میزان می‌توان به ایجاد تحول در راهبردها و رویکردهای سنتی امیدوار بود (Mehr Mohammadi, 2003). برنامه‌های تربیت معلمان، باید راهبردهایی را به معلمان یاد دهد که بیان‌کننده نقش تاریخی همه اقوام و ملیت‌ها در تعالی کشور باشد و از هرگونه قوم‌مداری و برتری یک قوم و تحلیل سایر فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط خودداری کند. برنامه‌های تربیت معلم، به خصوص باید منابع، مطالب، نیروی انسانی و دانش پایه‌ای را فراهم آورد که در خدمت آموزش چندفرهنگی باشد (Javadi, 2000). ضرورت آموزش معلمان در جهت پذیرش و حتی قدردانی از تنوع فرهنگی آشکار است و آموزش معلمان و برنامه‌ریزی آن باید طوری سازمان داده شود که به نیازهای همه کودکان به مثابه بخشی از جامعه متنوع امروزی پاسخ دهد. معلمان باید مهارت‌های لازم را برای کار کردن با گروه‌های مختلف فرهنگی داشته باشند و اهمیت فرهنگ را در فرآیند یاددهی- یادگیری درک کنند.





شکل ۱. ضرورت‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی

پرورش ظرفیت‌های واکنش انتقادی، توان استدلال و داوری و تقویت توانمندی‌هایی نظیر، عشق به حقیقت، کنجکاوی ذهنی و شک سازنده در ادعاها و همچنین استفاده از تمامی سرمایه‌های فرهنگی بشر و ایجاد گرایش انسانی به‌جای گرایش اجتماعی خاص است.

به‌طور کلی می‌توان گفت تعلیم و تربیت چند فرهنگی در پی رهاسازی کودک از محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌هایی است که در محور قومی نژادی وجود دارد. بر این اساس، هنری ژيرو با تأکید بر گروه‌های جانبی به حاشیه رانده شده، ضرورت توجه به تعلیم و تربیت آن‌ها را پیشنهاد می‌کند (Fathy, 2013). در زمینه تعلیم و تربیت، طرفداران رویکرد چند فرهنگی، با انکار نظرات شبیه‌سازی فرهنگی یا یکسان‌سازی فرهنگی و نفی دیدگاه‌های قوم‌گرایی، به شکلی از تعلیم و تربیت تأکید دارند که سوگیری آن، تکثرگرا و متوجه نفی صورت‌های ناسیونالیستی و نژادگرایی در تعلیم و تربیت باشد. یافته‌های پژوهش (Gharibi J. et al., 2016) بیانگر این بود که دو ریشه و مبنای فلسفی عمده تعلیم و تربیت چند فرهنگی

## پرسش دوم. عناصر و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی

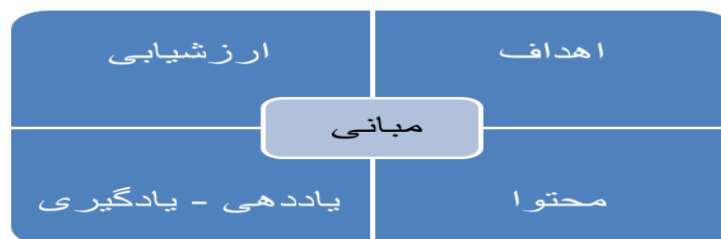
"تعلیم و تربیت چند فرهنگی حوزه‌ای مطالعاتی است که هدف عمده آن برابری فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای نژادها، اقوام و گروه‌های مختلف فرهنگی است" (Banks & Banks, 2010) همچنین از دیدگاه (Green, 2009) برنامه‌داری درسی چند فرهنگی حوزه‌ای از مطالعات است که از اهداف مهم آن کمک به همه دانش‌آموزان در دستیابی به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف اثربخش در یک جامعه چند فرهنگی است.

هدف برنامه‌داری درسی چند فرهنگی، قادر ساختن دانش‌آموزان در شناخت ارزش‌های بومی است. طراحی فعالیت‌های آموزشی، باید موجب جذب عناصر غنی فرهنگ بومی شود تا از این طریق زمینه لازم برای رشد افراد فراهم شود. برنامه‌داری درسی چند فرهنگی از نظر (Sadeqy, 2012) ساخت بخشیدن به اولویت‌های آموزشی‌ای است که تکثرگرایی فرهنگی را انعکاس داده و نجات میراث‌های گروهی را تضمین می‌کند. از نظر (Sajadi, 2005) تعلیم و تربیت چند فرهنگی در پی

نکته را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد که برنامه‌داری چندفرهنگی باید تجارب و فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم سازد تا آن‌ها ضمن تعمق در معانی پیام‌های مبادله شده در محیط‌های آموزشی، مقاصد و نیات مؤلفان کتب درسی را ادراک نموده و نیز بتواند تفسیر و برداشت خود را از واقعیات مختلف فرهنگی و اجتماعی ابراز نمایند. در بعد سوم یعنی کاهش تبعیض، اثرگذاری عمیق این برنامه را بر روی برداشت‌ها و نگرش‌های نژادی، قومی و جنسیتی دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌دهد تا تعامل مثبت آن‌ها با اعضای سایر گروه‌ها افزایش یابد. آموزش عدالت به‌عنوان بعد چهارم نیز می‌تواند ضمن تأکید بر آموزش‌های فرهنگی پاسخگر، ناظر بر مردود شمردن و به کنار نهادن روش‌های تدریس یک‌طرفه و معلم محور و به رسمیت شناختن نقش و جایگاه معلم به‌عنوان یک تصمیم‌گیرنده فکور است تا به دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های مختلف نژادی و زبانی کمک کند که دانش، مهارت و نگرش‌های مورد نیاز برای عملکرد مؤثر در جامعه را به دست آورند؛ نهایتاً بعد پنجم یعنی توانمندسازی فرهنگ مدرسه و ساختار اجتماعی، ایجاد انعطاف و تغییر فضا و ساختار مدرسه را مورد توجه قرار داده تا دانش‌آموزان مختلف اجازه یابند که حس برابری و توانمند شدن را تجربه نمایند. این بعد به‌ویژه بر نقش برنامه‌داری درسی پنهان در مدرسه، نحوه‌ی گروه‌بندی دانش‌آموزان و مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه تأکید می‌ورزد.

عبارت‌اند از: پست‌مدرنیسم و نظریه انتقادی. بر اساس نتایج تحقیق مبانی معرفت‌شناسی تعلیم و تربیت چندفرهنگی عبارت بود از: اعتقاد به نسبیت‌گرایی، رد هرگونه حقیقت ثابت (مطلق) و در مقابل اعتقاد به حقایق محلی مبتنی بر مشاهدات عمومی مردم یا قراردادهای روش‌شناختی و پژوهشی عالمان و دانشمندان، رد دانش عینی یا عینیت‌گرایی و به‌جای آن قبولی نظریه ذهنیت متقابل؛ نفی قطعیت‌ها و جزم‌اندیشی‌های پوزیتیویستی در حوزه‌ی روش‌شناسی متدولوژی علمی؛ نفی مرزبندی‌های تصنعی میان رشته‌های دانش بشری و به‌جای آن طرفداری از رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم.

علاوه بر اهداف و رسالت‌هایی که برای تعلیم‌وتربیت چندفرهنگی ذکر گردید، می‌توان این نوع از تعلیم‌وتربیت را از دیدگاه (Banks, 2001) در پنج بعد کلی ۱- «تلفیق محتوا» (Combining content) با توجه به تکثر فرهنگی جامعه، ۲- «فرایند ساخت دانش» با تأکید بر جوانب مختلف ذهنی تولید دانش، ۳- کاهش «تبعیض» با تأکید بر احترام گذاشتن به قومیت‌ها ۴- «عدالت آموزشی» برای رسیدن به فرصت‌های برابر در آموزش و یادگیری ۵- توانمند ساختن فرهنگ مدارس و ساختارهای اجتماعی، ترسیم کرد. در بعد اول یعنی تلفیق محتوا، بر به‌کارگیری و استفاده از مفاهیم و مثال‌های مرتبط با فرهنگ‌های مختلف و تلفیق آن با برنامه‌داری، محتوا و تجارب یادگیری دانش‌آموزان تأکید می‌شود. در بعد دوم یعنی فرایند ساخت دانش، با تأکید بر ابعاد ذهنی تولید و شکل‌گیری دانش این



شکل ۲. عناصر برنامه درسی

جدول ۱. عناصر برنامه درسی چندفرهنگی و مؤلفه‌های آن

عناصر برنامه درسی		مؤلفه‌های برنامه درسی چندفرهنگی
مبانی		<p>- پذیرش تنوع قومی، نژادی - جنبش اجتماعی بودن آموزش چندفرهنگی - احترام گذاشتن و ایجاد نگرش مثبت به فرهنگ‌های مختلف - احترام به زبان، مذهب و آداب و رسوم، ارزش‌های فرهنگی خود و دیگران - پاسخگویی به هویت‌های قومی، زبانی و فرهنگی - پذیرش تنوع نگرش، اندیشه و ارزش‌ها - حمایت از آموزش با زبان مادری - توجه به زیست افراد و گروه‌ها - رعایت حقوق شهروندی - ضرورت گذار نظام آموزشی به سمت تمرکززدایی - تأکید و توجه به عدالت اجتماعی - احترام و ارزش به حرمت انسان</p>
اهداف	فردی - تعاملی	<p>- احساس امنیت کردن ناشی از پذیرش - تقویت ارتباطات فرهنگی - ارتقا تعامل و تفاهم فرهنگ‌ها و گروه‌ها و اقوام - آموزش مهارت‌های زندگی چند فرهنگی به افراد - احساس مسئولیت در قبال یکدیگر - آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگ‌ها، ادیان و اقوام - رشد و توسعه فردی - وضوح بخشی نگرش‌ها و ارزش‌ها - خبرگی و تخصص در مهارت‌های اصلی و پایه - توانمندسازی فردی برای اصلاح اجتماعی - مدرسه محور بودن آموزش و پرورش چند فرهنگی - توجه و حفظ کرامت انسانی - طرد مطلق گرایی و پذیرش نسبی بودن فرهنگ‌ها</p>
	اجتماعی	<p>- حمایت از الزامات و مهارت‌های دموکراتیک - سودمند بودن آموزش و پرورش چند فرهنگی برای تمامی گروه‌ها - حمایت از حفظ و انتقال میراث فرهنگی و قومی - آموزش ضد تبعیض نژادی و کاهش تعارضات و کشمکش‌های نژادی، قومی و فرهنگی - عدالت تربیتی - وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت</p> <p>- تحکیم همبستگی و انسجام اجتماعی - شایستگی اجتماعی چندفرهنگی - انعطاف‌پذیر بودن - اصلاح نگرش معلمان - مشارکت معلمان در فرآیند طراحی و تولید و اجرای برنامه درسی - ارتقا کیفیت آموزش</p> <p>- افزایش سطح مشارکت والدین و دانش‌آموزان</p>
محتوا		<p>- توجه به خرده‌فرهنگ‌ها در تهیه محتوای درسی - طرح گفتمان، متن و بستر نژادی در تعلیم و تربیت</p> <p>- تحت پوشش قرار دادن تمامی دوره‌ها تحصیلی - انعکاس دهنده نیازها و علایق فرهنگی و زبانی تمامی دانش‌آموزان - انعکاس تنوع قومی، نژادی، محیطی، دینی و مذهبی در برنامه‌های درسی - تأکید بر موضوعات درسی چندرشته‌ای و تلفیقی - رشد سواد قومی و فرهنگی - آگاه‌سازی کودک از وجود سایر فرهنگ‌ها، جوامع و شیوه‌های زندگی</p>
روش‌های یاددهی - یادگیری		<p>- توجه به سبک‌های متفاوت یادگیری و نگرش به جهان - تأثیر متقابل فرهنگ و یادگیری بر همدیگر - استفاده از تحقیقات قوم‌نگارانه و مردم‌شناسی - تنوع در روش‌های آموزش و تدریس - رشد و پرورش مهارت‌های تفکر</p> <p>- افزایش مهارت‌ها تعاملی (تحمل و بردباری افراد، تساهل، همدلی، اعتماد و...) در بین اقوام و نژادها - ایجاد دید انتقادی و روحیه پرسشگری در افراد</p>
ارزشیابی		<p>- تنوع در روش‌های ارزشیابی در آموزش و پرورش چندفرهنگی - ارزشیابی فرایند یادگیری</p>

## بحث و نتیجه‌گیری

جامعه ایران با تنوع اقلیم و اختلاط نژادی و قومی، شرایط خاصی را پیش روی سیاستمداران و برنامه‌ریزان قرار داده است. این امر، مطالعه، واکاوی و اقدام مناسب، برای همگرایی و انسجام اجتماعی را می‌طلبد و نباید با سرپوش گذاشتن و نپرداختن به این تنوع با واقعیت‌های اجتماعی فاصله گرفت. به بیان دیگر، می‌توان گفت که جامعه امروز ایران با برخورداری از بسیاری از ویژگی‌های چندفرهنگی نیازمند نوعی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است که این نوع تنوع و تکثر را در عرصه‌های مختلف به رسمیت شناخته و بسترهای لازم را برای توجه بدان فراهم نماید. بدیهی است که این بسترسازی نیازمند فراهم کردن مقدمات و زمینه‌های فرهنگی و آموزشی لازم از طریق نظام آموزشی و برنامه‌های درسی آن است. در واقع، پیش‌بینی سازوکار مناسب به منظور نزدیکی فرهنگ‌ها، ایجاد تفاهم و تعامل میان آن‌ها در جهت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و رفع سوءتفاهم‌های اجتماعی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا از جمله رسالت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چندفرهنگی، طراحی برنامه‌های درسی حساس به فرهنگ و پاسخ‌گو به ویژگی‌های چندفرهنگی است؛ زیرا در صورت بی‌توجهی و مغفول ماندن فرهنگ‌های دیگر، می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و چالش‌های اجتماعی گردد.

در عصر حاضر، به دلیل تعاملات گسترده فیزیکی و مجازی افراد و فرهنگ‌ها و از میان رفتن مرزهای قراردادی سنتی، پیوندهای گریزناپذیری بین افراد و فرهنگ‌ها به وجود آمده است. حضور فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و تلاقی آن‌ها، احتمال ایجاد چالش و تنش در میان افراد و فرهنگ‌ها را افزایش داده است؛ بنابراین، امنیت جهان و به‌ویژه واحدهای ملی نیازمند پذیرش چندگانگی و چندفرهنگی بودن است. پیامد تکثرگرایی و پذیرش چندگانگی باعث می‌شود تا نگاه یکتانگارانه، به نگاهی همتانگارانه تبدیل شده و زمینه برای

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها در هزاره سوم فراهم گردد. همچنین این دیدگاه احترام متقابل و تساهل و زندگی مسالمت‌آمیز را مورد تأکید قرار می‌دهد. در بحث از پیامدهای تکثرگرایی فرهنگی، مزیت‌هایی بیان شد. حال با توجه به این امر می‌توان گفت که آموزش و پرورش نیز باید در این راستا گام بردارد و به تمامی فرهنگ‌ها (نه فقط یک فرهنگ خاص) و توانمندسازی آن‌ها توجه داشته باشد؛ زیرا در جامعه مدرن امروز، مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها و هنجارهای گوناگون، در کنار هم قرار گرفته‌اند بنابراین جوامع مختلف برای پاسخگویی به این دل‌مشغولی‌ها، به دنبال مبانی نظری و الگوی راهبردی در خصوص سیاست چندفرهنگی و قومی هستند. در این حالت "از جمله رسالت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در جوامع چندفرهنگی، طراحی برنامه درسی حساس به فرهنگ و پاسخ‌گو به ویژگی‌های چندفرهنگی است

رابطه دو سویه و تأثیر و تأثر میان فرهنگ و آموزش، همواره، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بدین معنی که از یک سو، فرهنگ را محصول آموزش نسل‌ها قلمداد نموده‌اند و از سوی دیگر فرایند آموزش را متأثر از نظام معنایی، ارزش‌ها و هنجارهای (همان فرهنگ) موجود در یک جامعه تصور نموده‌اند. با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ و به تبع آن گستردگی متغیرها و خرده سیستم‌های فرهنگ از یک سو و تأثیر و تأثر فرهنگ و برنامه درسی از سوی دیگر، باید این مقوله در نظام آموزشی که وظیفه جامعه پذیرایی و انتقال ارزش‌ها و فرهنگ جامعه را برعهده دارد مغفول نماند و به اهمیت آن در نظام آموزشی توجه شایان و شایسته شود.

در پژوهش حاضر، پس از توضیح برخی از مبانی نظری و تغییرات مفهومی آموزش و برنامه درسی چندفرهنگی و با توجه به مباحث مطرح شده در مبانی نظری تحقیق و جمع‌بندی مباحث و سوابق مرتبط، می‌توان اذعان نمود که برنامه درسی چند فرهنگی آن

بسترهای قانونی لازم برای اجرای سیاست چند فرهنگی در قانون اساسی ایران، دولت می‌تواند فرصت‌ها و امکانات لازم برای حفظ و انتقال میراث فرهنگی و زبانی اقلیت‌های قومی به نسل‌های آینده را فراهم آورد. تربیت چند فرهنگی تاکنون، در سطوح مختلف قصد شده، اجرا شده و تجربه شده، مغفول واقع شده است. ضرورت تدوین برنامه درس چندفرهنگی در ایران به دلیل وجود اقوام مختلف، فرهنگ‌های متنوع و زبان‌های گوناگون به‌عنوان مصادیق جامعه چندفرهنگی، بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد لذا، تلاش برای تدوین و تبیین برنامه درسی چندفرهنگی ضرورتی انکارناپذیر است.

مهندسی برنامه‌ریزی درسی شامل طراحی، ساخت و تدوین برنامه درسی است که در قسمت طراحی به فرایند مشخص کردن عناصر برنامه درسی و گنجانیدن آن‌ها در برنامه درسی اشاره می‌کند و در مرحله ساخت برنامه درسی به تعیین ماهیت مؤلفه‌ها و ایجاد و تکوین عناصر اقدام می‌شود اگرچه مفهوم برنامه درسی چندفرهنگی روزبه‌روز در حال تکوین است و تعیین و مشخص کردن مؤلفه‌ها و عناصر آموزش و پرورش چند فرهنگی به دلیل تنوع تعاریف از آن مشکل است ولی در این تحقیق، با بررسی مبانی نظری و تحقیقات انجام شده، به‌منظور استخراج مؤلفه‌های این رویکرد، می‌توان به ایده مشترک و مؤلفه‌های کلیدی دست یافت و به‌طور خلاصه مؤلفه‌های آموزش چند فرهنگی در زیر عناصر پنج‌گانه برنامه‌ریزی درسی (مبانی - اهداف - محتوا - روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی) که جمعاً ۵۵ مؤلفه هستند، معرفی شدند.

### پیشنهادها

- آموزش و پرورش از طریق کتاب‌های درسی، احترام به تنوع قومی نژادی و زبانی و... را فرهنگ‌سازی کند تا حقوق افراد بیش‌ازپیش در جامعه ایجاد و استوار شود.  
- افراد به لحاظ زندگی کردن در اجتماع، نیازمند آماده شدن برای این امر (زیست در جمع) هستند؛ بنابراین

نوع برنامه درسی است که اشارات و دلالت‌هایی صریح و ضمنی برای تعلیم و تربیت افرادی که دارای ملیت، طبقه، مذهب و حتی جنسیت و نژادهای مختلف هستند دارد و به قصد رشد و پرورش توانائی‌ها و قابلیت‌های افراد در جوامع چند فرهنگی صورت می‌گیرد که علاوه بر طراحی فرصت‌های برابر آموزشی، در نظر گرفتن عدالت آموزشی و توجه به نیازهای خاص فرهنگی گروه‌های مختلف، قابلیت زندگی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک را فراهم می‌نماید. تعلیم و تربیت چند فرهنگی به‌عنوان یک نیاز ضروری در جوامع چند فرهنگی که می‌خواهند به‌صورت مسالمت‌آمیز زندگی مشترکی را دنبال کنند، امری حیاتی است. این نوع تعلیم و تربیت مسائلی همچون نژادپرستی، قوم‌گرایی و سایر انواع تبعیض‌ها در مدارس و جوامع را رد کرده و به چالش می‌کشد و در عوض تکرر و تنوع (قومی، فرهنگی و نژادی) را مورد تأکید و تصدیق قرار می‌دهد. یافته‌های پرسش اول پژوهش، در مورد ضرورت‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی، با یافته‌های (Salehi, 2004) (Amiri, 2004) (Askarian, 2006)، (Taqy Lu 2007)، (Sarkar Arani, 2012) و (Soltani, 2009) همسو است.

همچنین در این تحقیق ضرورت‌های این آموزش در ایران ذکر شد که با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت چندفرهنگی در جهان امروز و پذیرش توجه نظام‌های آموزشی به این شیوه از تعلیم و تربیت، توجه به چنین برنامه‌ای در نظام آموزشی ایران نیز به دلیل برخورداری از مشخصه‌های جامعه چندفرهنگی بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد. یافته‌های پرسش دوم پژوهش، در شناسایی مؤلفه‌های برنامه درسی چند فرهنگی، با یافته‌های (Green, 2009)، (Banks & Banks, 2010) و (Sadeqy, 2012) که برابری آموزشی و پذیرش تنوع و تکرر و احترام به دیگری را مؤلفه مهمی برای برنامه درسی چندفرهنگی معرفی می‌کنند، همسو است. با پذیرش رویکرد چند فرهنگی و با توجه به وجود

- and Curriculum Development and Innovation, No. 17[Persian]
- Banks, C. A. & Banks, J. A. (1995). Define multicultural education at: <http://www.ncrel.org>, last visit: 2009/7/25
- Banks, J. (2010). Center for Multicultural education. Available at: <http://www.faculty.Washington.edu/jbanks>.
- Banks, J. A. & Banks, C. A. M., (2005). Multicultural education Issues and Perspectives (5<sup>th</sup> ed.), New York: John Wiley.
- Banks, J. A. (2001). Multicultural education: Characteristics and goals. New York: John Wiley.
- Chittom, Lynn-nore (2011). Teachers tips for creating a multicultural curriculum. Available at: <http://www.Brighthub.com>.
- Fathy Vajargah, K. (2013). the identity of the new curriculum. Volume I. Tehran: Ayyzh[Persian]
- Fardanesh Hashem. (2008). Classification models based on constructivist approaches to learning and teaching, Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, 9 (2): 5-21. [Persian]
- Fernandez, M. (2010). The Responsibility for Multicultural education An Ethics of teaching and learning. Available at: <http://www.Scu.edu/ethics>.
- Feyisa, D. & Kirstin, F. (2010). Raising the Achievement of Portuguese pupils in British schools: A case study of good practice. Available at: <http://www.eric.ed.gov>.
- Gharibi J, Golestani H, Jafari E. Epistemological Foundations of Multicultural Education. Research in curriculum planning. 2016; 2 (20):1-15 URL: <http://journals.khuisf.ac.ir/jsr-e/article-1-1806-fa.html>
- Gorski, Paul C. (2010). Multicultural education for equity in our schools: A Working definition. Available at: <http://www.edchange.org/multicultural/initial.html>.
- Green, P.E. (2009). Nonverbal differences in communication style between American Indian and Anglo elementary classrooms. American educational research Journal, 22, 101- 115.
- Gundara, S. Jagdish(2002). Multiculturalism in Canada, Britain and Australia: The Role of Intercultural Education. London Journal of Canadian Studies. VOLUME
- ضرورت دارد که صلاحیت، مهارت و کیفیت این مهم را دارا باشند و برای رسیدن به این هدف، باید محتوای برنامه‌دستی با تلفیق فرهنگ اقوام و فرهنگ ملی تنظیم و تدوین شود.
- به فراخور اهداف دوره‌های تحصیلی، دروسی چون تاریخ، جغرافیا، ادبیات، تعلیمات اجتماعی و مهارت‌های زندگی در راستای شناخت و به‌کارگیری تنوع قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و... برای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شود.
- درسی تحت عنوان تربیت چند فرهنگی با تلفیقی از فرهنگ‌های قومی و فرهنگ ملی برنامه‌ریزی و در برنامه‌های درسی کشور، منظور شود.
- در برنامه‌ریزی درسی نباید تنها به ارائه دانش و اطلاعات درباره فرهنگ، زبان و ادیان اقوام بسنده کرد بلکه باید به ایجاد مهارت و نگرش نسبت به این مقوله‌های توجه شود.
- توجه به فرهنگ‌ها و زمینه‌های فرهنگی متفاوت در آموزش و یادگیری می‌تواند به اقتضای ضرورت‌های جهانی، سازگاری اجتماعی و قابلیت زندگی مسالمت‌آمیز را بالا برده و ملزومات شکل‌گیری هویت‌های سازگار را فراهم نماید و از طریق بازنگری در برنامه‌های درسی علوم انسانی، می‌توان فعالیت‌ها و موضوعاتی را تدارک دید که دستیابی به تعلیم و تربیت چند فرهنگی و مؤلفه‌های اساسی آن را محقق نماید.

#### منابع

- Amini, M. (2012). Explanation of multicultural curriculum and how to implement it systems curriculum planning of iran. Journal of Curriculum Studies, Vol. 7, No. 26, pp. 11-32. [Persian]
- Arslan, Hasan. (2009). Educational Policy vs. Culturally Sensitive Programs in Turkish Educational System. International Journal of Progressive Education, Volume 5 Number 2pp118-127
- Askarian, M., (2006), the status of ethnic cultures in citizenship education, Journal of Research, Institute for Educational Research

- Hawkins, K. (2010). Three imperatives: Valuing an anti-bias Curriculum, investing in early childhood education and promoting collaborative research. Available at: <http://www.eprints.usq.edu.au>.
- Iraqiya Ali Raza (2009), integrated strategy towards a multicultural curriculum, interdisciplinary studies, human sciences, Volume II, Number 1 [Persian]
- Javadi, MJ (2000). multicultural education as an approach to education. Journal of Education. Vol 16, No. 3pp78-89 [Persian]
- Khosravi, M. (2008) Multicultural Education a requirement for the globalization of education, the Eighth Conference of the Association of Curriculum Studies, CD E, Page 401 to 427, Mazandaran University [Persian]
- Kohne pushei, Syed Musleh and, kohne pushei, Syed Hamid (2009). A content analysis of the concept of identity sociology textbooks 1 and 2 (Literature and Human Sciences Secondary). Journal of Curriculum Studies, fourth, the 13, 14, 125-140. [Persian]
- Lyvychy, Auer and others (1991). On the eve of the twenty-first century world. Translation of Ali Asadi, Tehran: Islamic Revolution and Training, Second Edition [Persian]
- Mayring, P. (2000). Qualitative Content Analysis. Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research [On-line Journal], 1 (2). Available at: <http://qualitative-research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm>.
- Mehr Mohammadi, Mahmoud (2009). "The education system is the lack of systematic planning strategy". Green Word, Issue 20, 21 [Persian]
- Mehr Mohammadi, Mahmoud, (2003). rethinking teaching - learning process and teacher training. Tehran: school publications [Persian]
- Mehrabiy, A., Younesi, A. (2008). ethnic diversity and national unity in Iran: Opportunities, Challenges, Strategies. Journal of Intercultural Studies. Third Year, No. VII. pp54-67 [Persian]
- Moses, M. (1997). Multicultural education as fostering individual Autonomy, Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
- Musa Pour, N (2008). Foundations of programming in secondary education, second, Tehran: Payam Andishe [Persian]
- Parekh, B. (2008). The concept of multicultural education. In S. Modgil, G.K. Verma, K. Mallick, & C. Modgil (Eds.), Multicultural Education: The interminable debate (pp. 19-31). Philadelphia: Falmer.
- Panahitavana S, marofi Y. Place of components of cultural identity in literature textbooks (the content analysis). Research in curriculum planning. 2016; 2 (23):89-101 URL: <http://journals.khuisf.ac.ir/jsr-e/article-1-1513-fa.html>
- Qaderi, M. (2010). Critical theory of education: curriculum critique of modernity and late capitalism. Tehran, Yadvar [Persian] • book, first published.
- Rabrtson, Roland (2003). Globalization, translation of Kamal Pouladi, Tehran: Publication Sales
- Rezanezhad Jolaey, N. (2010). Multicultural education is derived from the characteristics of the present age. First National Conference of 1404. Institute of Policy Science, Technology and Industry [Persian]
- Rosado, Caleb (2008). What makes a school Multicultural? Available at: <http://www.edchange.org/multicultural/papers/caleb/multicultural.html>.
- Sadeqy, A. (2011). design Pattern curriculum for Elementary teacher education, multicultural Islamic Republic of Iran. PhD thesis. Allameh Tabatabai University. The doctor guides Mahmoud Mhrmhmdy [Persian]
- Sadeqy, A. (2012). explained the need characteristics in a multi-cultural curriculum development, examine challenges and provide strategies, strategy, culture the Journal, Issue 17, p78 [Persian]
- Sajadi, SM (2005). Cultural pluralism, identity and education (explanation and evaluation). Journal of New Thoughts on Education, Volume 1, No. 1, Ss25-38. [Persian]
- Salehi Amiri, Seyed Reza (2004). "Management of ethnic diversity in Iran," Ph.D. dissertation, State Management, Science and Research [Persian]
- Sarkar Arani, MR (2012). Culture of learning and ethnographic research educational approach, Tehran: School Publication [Persian]
- Shayegan, D., (2011). New enchantment identity Patchwork and thought-Mobile, translated by f walyany., Tehran: Publication farzan [Persian]

- Silver, J. Galen, Alexander, William M., Lewis, Arthur J. Lewis (2009). Curriculum Planning for Better Teaching and Learning, Translation KhoyNejad, Gholamreza, Tehran: published beh nasher [Persian]
- Soltani, M. (2009). multicultural education in teacher training institutions from the perspective of students in Sanandaj, Kurdistan University Master's Thesis [Persian]
- Talebzade Noberyan, M., Fathi Vajargah, K. (2009). Special Topics Curriculum Development, Tehran: Nashr ayyzh [Persian]
- Taqy Lu, F. (2007). Journal of Strategic Studies, ethnic diversity, multiculturalism and the politics of citizenship Pattern: The case of Iran NO (35)p113 [Persian]
- Taylor, C. (1994). Multiculturalism; Examining the Politics of Recognition. Princeton, New Jersey: Princeton University Press
- Yar Mohammadyan, MH (2013). Principles of Curriculum Development, Tehran: Nashre yadvareh ketab [Persian]